

# پراگماتیست‌ها در بی‌عملی

بررسی تناقض رفتاری مدعیان «عملگرایی» با نگاهی به شعار سال



تحلیل محمدحسن صادقبور\*

سال جاری از سوی مقام معظم رهبری با عنوان «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نامیده شد. دلایل تأکید رهبری بر کلیدواژه اقتصاد مقاومتی که خود ایشان مبدع و جریبان‌ساز آن بوده‌اند، میرهن است؛ چراکه بگانه مسیر خروج کشور از وضعیت بحران زده اقتصادی است. در حالی‌ که رهبر انقلاب به این دو عنصر به صورت ویژه پرداخته است، توجه به عنصر «اقدام» و «عمل» است. در حالی‌ که رهبر انقلاب به این دو عنصر به صورت خاص تأکید ورزیده‌اند که بدنه فوقانی دولت در حال حاضر در دست عناصری است که بیشتر خودادعان به پیروی از رویکرد «پراگماتیسم» یا به عبارتی عملگرایی کرده‌اند و این موضوع را از زمان سازندگی به عنوان یکی از اجزای منشور فکری خود متبلور ساخته‌اند. نتوانسته به مدلی برای پیشبرد اقدامات اساسی کشور تبدیل شود. وجه تمایز پراگماتیسم با «اقدام و عمل» مدنظر رهبری چیست؟ در این یادداشت کوشیده می‌شود ضمن بازخوانی پروژه پراگماتیزه‌سازی ایران به این سوالات پاسخ داده شود.

■ پیش‌درآمدی درباره شعار سال

پیش از آن که به بحث حول رویکرد سیاسی پراگماتیست‌ها و ارتباط آن با شعار سال اشاره شود، بهتر است نگاهی به روند نامگذاری سال‌ها در دولت یازدهم داشته باشیم. بر اساس تحلیل محتوای گفت‌مان، ساز عمومی رهبر انقلاب می‌توان ادعا کرد، رهبری در نامگذاری چندسال اخیر به بحران‌های احتمالی پیش‌روی دولت و ملت اشاره خاص داشته و به عبارتی با چارچ فرمز «شعار سال» برخی وضعیت‌های موجود را «هشدار» داده‌اند.

اولین شعار سال پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، حکایات از مطالبه جدی رهبر انقلاب دولت برای تعیین جهت‌گیری ارزشی در عملکرد سیاسی خود داشت. قید «مدیریت جهادی» در نامگذاری سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی»، به نوعی نقدی بر نگرش تکنوکراسی بود که هم‌راه با جریان دولت جدید مجدداً با همان مردان کهنه و شناخته شده دوران سازندگی، زمام‌اجرا را در دست گرفته بود. به عقیده نویژ تمی‌سازی مدیریت کلان کشور از مفاهیم ارزشی و جایگزین کردن فن‌سالاری به جای تأکید بر مبنای و گفت‌مان‌های بنیادین انقلاب داشت و در دوران سازندگی نیز تاحدودی به این اعتقاد خود داشت. عمل پوشانده بود، اما رهبر انقلاب در تبیین خود از شعار آن سال تأکید کردند مدیریت می‌شود که در حال حاضر می‌تواند کشور را در مسیر درست حفظ کند

مدیریتی ارزش محور تحت عنوان «مدیریت جهادی» است که درین‌ها خود مبنای انقلاب را پررنگ نم‌نماید.

سال گذشتہ نیز که «دولت و ملت؛ همدلی و همزبانی» نامگذاری شد، معطوف به خطری بود که رهبر انقلاب به خوبی سال گذشته آن را تشخیص و تذکر داده و آن خطر ایجاد دوقطبی و شکاف میان ملت - دولت در جمهوری اسلامی بود. یکی از علل این نامگذاری یقیناً عدم مناتب رفتار دولت در برخورد با منتقدین خود بوده است که بر خلاف تأکید دولت اعتدال بر شعار «سماج» لاقال منتقدین داخلی دولت

رنگ و بویی از این تسامح ندیدند و در حقیقت رهبر انقلاب می‌خواستند با تأکید دوسویه شعار همدلی خطاب به ملت و دولت از شکل‌گیری یک شکاف آسیب‌زا میان مردم - خصوصاً

بدنه کنتگرار - جلوگیری نمایند.

پس در حقیقت در دو سال گذشته به نظر می‌رسد دوامر خطیر در تعیین نام سال‌هایی تأثیر نپوده‌اند. هشدار به‌بازگشت فرهنگ تکنوکراسی به بدنه اجرایی کشور و نیز شکل‌گیری شکاف ملت- دولت بر اثر کم تحملی جریان دولت، و اما شعار سال ۹۵، یکی دیگر از رویکردهای دولت را مورد نقد و پرسش قرار می‌دهد: بی‌عملی پراگماتیست‌ها»

■ پراگماتیسم از فلسفه تا روش

پراگماتیسم پیش از آن که به یک روش و متد حکومتی تبدیل شود، در سلط شناخت و فلسفی میان فلاسفه مطرح شد و در حقیقت رویکردی ضدفلسفه لیبرال به حساب می‌آمد. واژه عملگرایی (pragmatism) را «چارلز پیرس» فیلسوف و نظر به‌پرداز امریکایی بنیان‌نهاد. پیرس در

زمانی که لیبرالیست‌ها می‌کوشیدند مبانی ایپستمولوژیک لیبرالیسم را به عنوان مفاهیمی دارای اصالت بالذات، قدسی‌سازی کرده و به عنوان ارزش‌های مطلق و غیرقابل تغییر جوامع توسعه‌یافته مطرح کنند، از این رویکرد فلسفی انتقاد کرد. از نظر او شناخت و معرفت بیش از آن که در گرو تبیین‌های فلسفی باشد، از حقایق بیرونی و عمل عینی و کاربردی نشئت می‌گیرد. او معتقد بود مسئله‌ای ماندن زندگی را نمی‌توان با آزمایش‌های متعدد تجربی و تماشاکردن آموخت بلکه سودبخشی و نیل به هدف رانندگی در گرو «عملگرایی» و مشارکت عملی در این امر است.

ویلیام جیمز فیلسوف امریکایی نیز نظرات پیرس را بسط داده و عمومیت بخشید، به‌گونه‌ای که به تشکیک در کارایی مطلق انگاری مبانی لیبرالیسم انجامید. اما جان دیویی، که خود یک فعال اجتماعی نیز به‌شمار می‌رفت، کوشید رهیافت‌های پراگماتیسم را در برخی از این حوزه‌های اجتماعی و سازمانی محقق نماید. به‌گونه‌ای که تمام رویکردهایی که جنبه عملی کاربردی در ساماندهی وضعیت اجتماعی نداشتند باشد کنار گذاشته می‌شود و در عوض به رویکردهای معطوف به اقدام توجه ویژه‌ای صورت می‌گیرد.

مکتب اصالت عمل از آن جا که فی‌نفسه بیش از آن که یک جریان فلسفی باشد، جریانی روش‌شناختی بود که قابلیت تسری به حوزه‌های مختلف اجتماعی داشت، در خود جامعه امریکانیز که بافت پراگماتیسم در آنجا به‌هم تنیده شده بود بسپارزود، به‌زمینه‌های گوناگون در عرصه‌های نظامی، سیاسی

و فرهنگی کشیده شد. پیوند مکتب اصالت عمل در نوشته‌جات ریچارد رورتی، معنای جدی‌تری پیدا کرد و به یک دستورالعمل سیاسی برای جامعه امریکا و نیز جوامعی که قرار بود امریکاییزه شوند تبدیل شد. رورتی در سال ۱۹۹۱ در مقالهای افتاد که «ولوتی‌مواکراسی بر فلسفه» ضمن انتقاد از مفاهیم عام و جهانشمول فلسفه مدرنیته، این مفاهیم را «پایوه‌گویی‌های بی‌معنی» دانست که شامل تبیین مدرنیست‌ها از مفاهیمی نظیر خدا، عقل، حقیقت، طبیعت و تاریخ بود. رورتی معتقد بود تلاش برای تدوین یک نظام ارزشی مبتنی بر اصول ثابت کافی است و فلاسفه غربی اگر تاکنون قرار بوده چیزی را کشف کنند، تاکنون موفق به کشف آن نشده بودند. فلذا بحث‌های بی‌مورد فلسفی را باید کنار گذاشت و برای رسیدن به دموکراسی به دنبال مفاهیمی بود که در «عمل» و واقعیت به کار بیایند.

رورتی هم به باورهای مدرنیته می‌تازید و هم به مفاهیم سنتی و باورهای دینی، و هرگونه اعتقاد به اصول غیرقابل تغییر در مدرنیته یا مذهب را رادیکالیسم و بنیادگرایی به حساب می‌آورد که مانع از رسیدن به فرهنگ تساهل و تسامح لیبرالی در جامعه است. رورتی البته دستورالعمل‌های پراگماتیستی خود را نه صرفاً برای جامعه امریکا که برای

تتها یک نمونه از سیاست‌های پراگماتیستی در دولت هاشمی، حضور سه وزیر باسه گرایش فکری کاملاً متفاوت - خاتمی، لاریجانی و میرسلیم - در سمت وزارت ارشاد کابینه‌وی بود که نشان می‌دهد سیاست پراگماتیسم به‌هیچ ایدئولوژی‌ای وفادار نیست. سیاست‌های تکنوکراتیک (فن سالار) و پراگماتیک (عملگر) محصول همبستگی مستقیم «دموکراتیزاسیون» و «توسعه اقتصادی» بود که معمولاً



رهبر انقلاب با تأکید بر دو واژه «اقدام» و «عمل» - به عبارتی عملگرایی پراتیک دولت را مورد نقد قرار داده‌اند. ایشان حتی چندین بار در سخنرانی نوروزی خود و قیل از آن نیز انتقادات جدی به دولت از منظر عملگرایی وارد ساختند و بیان داشتند که بسیاری از وعده‌های مطرح شده (در برجام و…) در عمل اتفاق نیفتاده و صرفاً به سخن یا توافق‌هایی اکتفا شده است

سابقه ترویج عملگرایی در ایران پس از انقلاب به مهندس مهدی بازرگان بازمی‌گردد. او کتابی تحت عنوان «پراگماتیسم در اسلام» به نگارش درآورد که در آن کوشیده بود با ذکر تشابهات یک فرد «پراتیک» با یک انسان «مسلمان» این دو را یکسکان انگاری کند. بازرگان در این کتاب می‌نویسد: «خدواند پراتیک است و در دفتر خود نام و شهرت و شکل اشخاص را ثبت نمی‌کند. بلکه عمل و آثار آن را ثبت کرده و طبق آن با احصائیه دقیق پاداش می‌دهد»

این دوره را بانام «سیاست‌های تعدیل» می‌شناسند. در این مسیر همان‌طور که سامول هانتینگتون پوزیتیویست مطلق گرا می‌تازید و می‌کوشید جامعه امریکا را از جزم اندیشی مدرنیست‌ها تهی کند، زمانی که در دوران اصلاحات به ایران آمد مهم‌ترین مانع موجود در کشورهای نظیر ایران را مفاهیم ثابت و خلل‌ناپذیر و بنیادگرایانه‌ای مانند «خدا» دانست که مانع از گام برداشتن کشورها به سوی توسعه می‌شود.

■ پراگماتیسم ایرانی

سابقه ترویج عملگرایی در ایران پس از انقلاب اسلامی به مهندس مهدی بازرگان بازمی‌گردد. او کتابی تحت عنوان «پراگماتیسم در اسلام» به نگارش درآورد که در آن کوشیده بود با ذکر تشابهات یک فرد «پراتیک» با یک انسان «مسلمان» این دو را یکسکان انگاری کند. بازرگان در این کتاب می‌نویسد: «خدواند پراتیک است و در دفتر خود نام و شهرت و شکل اشخاص را ثبت نمی‌کند. بلکه عمل و آثار آن را ثبت کرده و طبق آن با احصائیه دقیق پاداش می‌دهد. یا توجه به مراتب فوق مشخص می‌شود که قرآن و اسلام کاملاً پراتیک بوده و از مسلمانان «عمل» می‌خواهد پس، آن‌هم عملی که اگر مفایده بوده و اثر و نتیجه مثبت در زندگی داشته باشد.

مگر ما مسلمان‌ها به روز سیاه افتاده‌ایم بر آن است که مسلمان تئوریک هستیم و نه روز سیاه افکار پراتیک.»

هر چند به نظر می‌رسد نگرش بازرگان، تهی‌سازی دین از مفاهیم ارزشی و صرفاً پرداخت به عمل نیست، و صرفاً این‌توان این سخنران گرفته از حلقه‌ای از مدیران افتاد که در هر استعماران عملگرا استقیال می‌کرند.

سعيد جعربان در همین خصوص می‌گوید «عوره سازندگی دوره پراگماتیزاسیون بود؛ بعضی بیشتر و بعضی کمتر، با پراگماتیست‌ها می‌شود کار کرد، اما ضعف اصلاح‌طلبان این بود که خوب عمل نکردند.» تنها یک نمونه از سیاست‌های پراگماتیستی در دولت هاشمی، حضور سه وزیر باسه گرایش فکری کاملاً متفاوت - خاتمی، لاریجانی و میرسلیم - در سمت وزارت ارشاد کابینه‌وی بود که نشان می‌دهد سیاست پراگماتیسم به‌هیچ ایدئولوژی‌ای وفادار نیست. سیاست‌های تکنوکراتیک (فن سالار) و پراگماتیک (عملگر) محصول همبستگی مستقیم «دموکراتیزاسیون» و «توسعه اقتصادی» بود که معمولاً

صراط

## بی‌عملی آفت است

بی‌عملی یک آفت خطرناک است. عمل، نور است و نورانیت ایجاد می‌کند و قوای موجود انسان در حال رکود، در ظلمت به‌سُر می‌برند. بنابراین هرگونه عملی که تلاش در راه خدا محسوب شود، باید انجام بگیرد و اکنون که در میدان نظامی با دشمن مواجه نیستیم، عمل فکری و تبیین، با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های هنری و سنتی امری لازم و ضروری است زیرا عمل فکری یک کار مبنایی است و باید نسبت به آن اهتمام شود.

بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان - ۱۳۷۸/۱۰/۲۲

رصد

خردنامه همشهری در ویژه‌نامه خود چه حرف‌هایی داشت؟

## تأمل در باره آغاز تاریخ هم‌زمان با شروع سال



سالنامه نوروزی خردنامه همشهری شماره ۱۵۲ یا پرونده‌های ویژه «تاریخ فلسفه» و «چگونگی تحول هویتی انقلاب اسلامی» در اوایلین روزهای سال ۹۴ منتشر شد و هم‌اکنون از ده‌های روزنامه فروش‌شی قابل تهیه است. فلسفه تاریخ به‌عنوان یک نظر به‌عمومی در تاریخ یا به‌عنوان یکی از شقوق فلسفه مبنای بسیاری از نظریات در حوزه علوم انسانی جدید بوده‌است. گونه‌شناسی فلسفه تاریخ را باید در اختلاف نقطه شروع تاریخ در نظر صاحب‌نظران و فیلسوفان دانست. برخی ابزار و اراده انسانی را منشأ تاریخ شده (در برجام و...) در عمل اتفاق نیفتاده و صرفاً به سخن یا توافقی‌هایی اکتفا شده‌است. آنچه مشخص است این است که معتقدان به پراگماتیسم بیش از اینکه این مکتب را تفکری برای اداره جامعه تلقی کنند، آنهم به مثابه روشی برای حفظ قدرت در کشاکش زد و بندهای سیاسی به‌آن می‌نگرند. پراگماتیسم در این سال‌ها دیگر حتی آن عملگرایی پراتیک مدنظر مرحوم بازرگان هم نیست که نسبت نزدیکی با آیه «لیس الاثم و الا ما سعی» دارد، بلکه بیشتر در راستای «توجه هدف توسط وسیله» مورد استفاده قرار می‌گیرد. پراگماتیسم جدید، منجر به «اقدام» نمی‌شود، بلکه تنها حافظ منافع بازیگران سیاسی است و کسب سهم بیشتر از حاکمیت بود، از جمله اجماع لیست‌های رقیب اولوگرایی بر حمایت از برخی اولوگراییان برای کسب منفعت و جایگاه سیاسی یا اجماع برای ریاست اولوگراییان نزدیک به دولت برای کسب جایگاه ریاست مجلس و موارد نظیر اینکه نشان می‌دهد، رویکرد پراگماتیستی و «عمل» گرا ابانه جناح حاکم پیش از آن که معطوف به «اقدام» برای رفع مشکلات کشور باشد به ابزاری برای معامله و کسب سهم بیشتر از حاکمیت بدل شده‌است و در چنین فرآیندی حتی چپگرایان سابق، اولوگرایی به راستگرایانی پراگماتیست تبدیل شده‌اند که عملگرایی در راستای کسب قدرت و بازگشت به مناصب اجرایی و تقنینی، به اصل هویتی‌شان بدل شده‌است.

البته به نظر می‌رسد در هر انقلاب یا تعیین شعار سال ۹۵، کوشیده‌اند علاوه بر تبیین ناگراآمدی تفکر پراگماتیسم در اداره کشور - که در بالا اشاره شد- و ضرورت بازتعریف «اقدام» و «عمل» - به‌گونه‌ای که ناظر به حل مشکلات اساسی کشور باشد و نه کسب قدرت و معامله سیاسی؛ بار ارزشی عملگرایی و اقدام‌گرایی را نیز برجسته‌نمایند چراکه بخش اول شعار سال عبارات است از «اقتصاد مقاومتی» و این یعنی اقدام و هر چهتی شمر ثمر برای انقلاب نیست. چه‌سانکه عملگرایی در سیاست‌های برخی دولت‌رمدان در حوزه اقتصاد مبتنی بر وابسته‌سازی اقتصاد کشور به اقتصاد جهانی مدنظر باشد که اقدام در راستای چنین نگرشی تاکنون خسارت بار بوده و پس از آن نیز خواهد بود. لذا از همین رو رهبر انقلاب تأکید می‌ورزند که هرگونه «اقدام» و «عمل» باید در چار چوب نظام ارزشی مقبول جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد که در بعد اقتصادی عبارت می‌شود از: اقتصاد مقاومتی.

\*دبیر صفحه اندیشه

■ منابع:

- چهار پراگماتیست: درآمدی بر فلسفه پیرس، جیمز، مید و دیویی، ترجمه محسن حکیمی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱ - رازهای دهه‌شصت، مرتضی صفارهرندی، دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان - پراگماتیسم در اسلام، مهدی بازرگان، نشر اعلمی - مجله فرهنگ و علوم انسانی عصر اندیشه، سال دوم شماره ۹۴، بهمن ۹۴ - گفت‌وگوی خبرگزاری تسنیم با دکتر پرویز امینی، ۱۵ آذر ۹۴، شناسه خبر: ۹۳۵۰۰۵



آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني

آیت‌الله العظمی آية الله العظمى الخميني